

بررسی و شناخت نظریه سبک زندگی

در جرم شناسی و مطالعات جرم شناختی

دکتر مجید بهاری غازی^۱

دکتر محبوبه کهزادی

چکیده

امروزه پیشگیری از وقوع جرم و انحرافات اجتماعی، جزو سیاست های اصلی و کلان نظام های قضایی دنیاست و به ویژه با احراز ناکارآمدی پیشگیری کیفری یا واکنشی، دست اندرکاران قضایی و غیرقضایی همت خود را مصرف تدارک و سایل و راهکارهایی جهت پیشگیری از انحرافات کردند. لارنس کوهن و مارکوس فلسون در سال ۱۹۷۹ نظریه «سبک زندگی روزمره بزه دیدگان» را با الهام از دیدگاه های مطروحه در نظریه انتخاب خرد محور که چارچوبی برای فهم و اغلب تقلید و مدل سازی رفتارهای اجتماعی و اقتصادی است، مطرح نمودند. شناخت هر چه دقیق تر نظریه سبک زندگی نیازمند بررسی و درک خاستگاه های این نظریه است. به همین منظور در این مقاله تلاش خواهیم کرد نظریه سبک زندگی در جرم شناسی و مطالعات جرم شناختی را مطرح سازیم. یکی از حوزه هایی که مطالعه سبک زندگی در آن بسیار راهگشا است، حوزه جرم شناسی و مطالعات حقوقی وابسته به آن است. بی شک، سبک زندگی بزه کاران، نشانه های مشترک و جنبه های قابل تامل فراوانی دارد. چنانچه بتوان این نشانه ها را در سبک زندگی مجرمان شناسایی نمود، قطعاً می توان از آن به عنوان مقیاس و معیاری در سنجش و کنترل جرائم و پیشگیری از آنها بهره گرفت.

واژگان کلیدی: پیشگیری از جرم، نظریه سبک زندگی، مطالعات جرم شناختی، مجرمان

بخش اول: بررسی و شناخت نظریه سبک زندگی

این نظریه به لارنس کوه، مارکوس فلسون و گات فردسن منسوب است. این محققان در پی فهم این بودند که چرا برخی گروه‌های خاص از مردم بیش از دیگران در خطر بزه دیدگی قرار دارند. پاسخ آن‌ها این بود که شیوه زندگی افراد به نرخ‌های متفاوت مجرم‌زایی می‌انجامد. این شیوه‌های زندگی به وسیله فعالیت‌های روزانه در زمینه کاری و تفریحی، شکل می‌گیرد (ویلیامز، فرانک پی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۱). طبق این نظریه، هر قدر یک فرد شیوه زندگی بازتری داشته باشد یعنی فعالیت‌های شغلی و تفریحی و اوقات فراغت وی بیشتر باشد احتمال بزه دیده شدن او بیشتر است. هر چقدر یک شخص با افراد بزه‌کار یا با محیط‌های مجرمانه یا محیط‌های خطرناک یا در زمانهای خطرناک بیشتر رفت و آمد کند شانس بزه دیدگی خود را افزایش می‌دهد. کسانی که در مرکز شهر زندگی می‌کنند نسبت به کسانی که در محله‌های دوردست زندگی می‌کنند بیشتر شانس بزه دیدگی دارند. جوان‌ها برخلاف تصور ما که بیشتر مجرم می‌شوند، اتفاقاً به جهت شیوه زندگی بازتری که دارند شانس بزه دیدگی آن‌ها بیشتر است، زیرا در مقایسه با افراد مسن شیوه و مدل زندگی آن‌ها براساس فعالیت است و نه براساس انفعال. نظریه مدل زندگی در واقع چنین عنوان می‌کند که مردان (ترجیحاً جوان و ترجیحاً مجرد و ترجیحاً شهرنشین و بیکار یا کم‌درآمد) بیشتر در معرض بزه دیدگی هستند. بزه‌کاران، این سیل‌ها را انتخاب می‌کنند. افراد مسن کمتر بزه دیده می‌شوند، چون شیوه زندگی آن‌ها بسته‌تر و محتاطانه‌تر است. همچنین است وضع زنان زیرا آن‌ها می‌دانند که سیل جرم هستند، لذا احتیاطات لازم را به عمل می‌آورند. به عبارت دیگر، شیوه‌های زندگی به وسیله سه عامل پایه‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد: «نقش‌های اجتماعی» که به وسیله مردم در جامعه ایفاء می‌شود؛ مثلاً جوانان احتمال بیشتری برای بزه دیدگی را دارند، زیرا دارای نقش‌های اجتماعی هستند که نیازمند فعالیت‌های اجتماعی

پایپی در خارج از منزل به ویژه شب است. «موقعیت در ساختار اجتماعی»: هر چه یک فرد از موقعیت بالاتری برخوردار باشد، خطر بزه دیدگی او پایین تر است و این به دلیل نوع فعالیت هایی است که فرد انجام می دهد و مکان هایی است که در آن رفت و آمد می کند. سومین عامل «جزء عقلانی» است که در آن، تصمیمات در مورد اینکه چه رفتارهایی مطلوب است گرفته می شود. مثلاً جوانان با انتخاب درگیر شدن در فعالیت های با سطح خطر بالا مانند رفتن به باشگاه های شبانه، احتمال بزه دیدگی خویش را افزایش می دهند (همان: ۱۳۰).

بخش دوم: تبیین نظریه پیشگیری از جرم

بررسی مطالعات و پژوهش های انجام گرفته در زمینه حقوق و مسائل و سیاست های کلان قانونی در کشورهای پیشرفته دنیا نشان می دهد که امروزه پیشگیری از وقوع جرم و انحرافات اجتماعی، جزو سیاست های اصلی و کلان نظام های قضایی دنیاست و به ویژه با احراز ناکارآمدی پیشگیری کیفری یا واکنشی، دست اندرکاران قضایی و غیرقضایی همت خود را مصرف تدارک وسایل و راهکارهایی جهت پیشگیری از انحرافات کردند. در سطح جهانی، از سال ۱۹۷۰ میلادی و در کشور ایران، مفهوم مضیق پیشگیری از وقوع جرم از سال ۱۳۷۰ وارد گفتمان سیاست جنایی کشور شده است (نیازپور، ۱۳۸۳: ۹۷). البته تا پیش از آن، طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، پیشگیری از وقوع جرم، از وظایف مهم قوه قضائیه قلمداد شده بود، اما با وجود این سوابق تقنینی هنوز در ابتدای راه قرار داریم و آنچه در زمینه پیشگیری از وقوع جرم انجام شده است، بیش تر «گسترش سیاست جنایی امنیت گرا بوده که بر اندیشه های جدید محافظه کارانه جرم شناسی استوار شده است.» (سید اصفهانی، ۱۳۸۸: ۴۲۷) در ایران، پیشگیری از وقوع جرم، نه عموماً به هدف اصلاح و بازپروری مجرمان و تبه کاران، بلکه بیشتر به خاطر حفظ نظم و امنیت در جهت حفظ دست آوردهای آن صورت می گیرد و در عمل، نهادهای پلیسی و نظامی متولی امر پیشگیری، هستند.

بخش سوم: پیشگیری وضعی از وقوع جرم

در مثلث تکوین جرم، یک راس مثلث شخص بزه‌کار و راس دیگر آن بزه دیده و راس سوم آن موقعیت یا وضعیت است. ارائه دهندگان نظریه پیشگیری وضعی یا پیشگیری موقعیت مدار معتقدند که هدف پیشگیری اجتماعی از بین بردن عوامل خطر جرم است که افراد را مستعد بزه‌کاری یا بزه دیدگی می‌کنند (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۸۴۳). اما در عمل اولاً هیچگاه نمی‌توان به حالتی رسید که تمام اقدامات پیشگیری اجتماعی به نتیجه برسد و دیگر هیچ بزه کار یا بزه دیده جدیدی به سطح جامعه اضافه نشود و ثانیاً روی همه بزه‌کاران موجود فعلی هم نمی‌توان صد در صد اقدامات اصلاحی انجام داد. بنابراین از نظر منطقی چاره‌ای نداریم جز اینکه بپذیریم که پیشگیری اجتماعی به تنهایی ناقص است و باید در کنار آن تدابیر پیشگیرانه‌ای به کار بسته شود که با فرض وجود بزه‌کاران تحریک شده و بزه دیدگان بالقوه، موقعیت یا فرصت تقارن زمانی و مکانی میان بزه‌کاران و آماج جرم به وجود نیاید.

بند اول: تعریف پیشگیری وضعی

از پیشگیری وضعی تعاریف متعددی ارائه شده است. مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم در تعریفی پیشگیری وضعی را بالا بردن تلاش لازم و خطر ارتکاب برای بزه‌کاران بالقوه از طریق اقداماتی نظیر سخت‌تر کردن هدف، کنترل دسترسی و نظارت و همچنین کاهش منافع حاصل از جرم (به وسیله از دسترس خارج کردن آماج جرم و از بین بردن انگیزه‌ها)، معرفی کرده است. موسسه جرم‌شناسی استرالیا نیز پیشگیری وضعی را به عنوان نوعی از پیشگیری تعریف کرده است که هدف آن کاهش جرم از طریق مدیریت، طراحی و بهبود محیط فیزیکی از طریق الف) کاهش فرصت ارتکاب جرم به وسیله دشوار کردن ارتکاب جرم؛ ب) افزایش خطر دستگیری و ج) کاهش منافع ناشی از جرم است. رویکرد جدیدی که سعی دارد با اتکاء بر آماج جرم یا بزه دیده به تبیین پیشگیری از جرم بپردازد در فارسی تحت

عنوان پیشگیری وضعی از جرم معروف شده که استفاده از معادل هایی نظیر "پیشگیری وضعی" ، پیشگیری موقعیتی" یا "پیشگیری وضعیتی" به جای پیشگیری وضعی نیز صحیح می باشد. البته برخی کارشناسان اعتقاد دارند که استفاده از واژه های "پیشگیری وضعی" ، "پیشگیری موقعیتی" یا "پیشگیری وضعیتی" به جای "پیشگیری وضعی" از رجحان برخوردار است (Ibid:23)، دلیل استاد برای این رجحان این است که وقتی از واژه "پیشگیری وضعی" استفاده می شود آنچه به ذهن کسانی که آشنایی چندانی با این مفهوم ندارند، متبادر می شود، «وضعی در مقابل» تکلیفی» یا «عرفی» می باشد ، حال اینکه چنین معنایی از این مفهوم مورد نظر نمی باشد ، اما استفاده از از واژه های "پیشگیری وضعی" ، "پیشگیری موقعیتی" یا "پیشگیری وضعیتی" برای بیان گونه ای خاص از پیشگیری که مورد نظر ماست رجحان دارد. از نظر ریشه شناسی کلمه «پیشگیری» به معنای «پیشگیری کردن» «جلورفتن» و «آگاهی دادن» است. اما در مباحث جرم شناسی، پیشگیری عبارتست از «به جلوی تبهکاری رفتن» ، «پیشدستی کردن» ، «پیشی گرفتن» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۳۳) یا استفاده از تکنیکهای گوناگون مداخله به منظور ممانعت از وقوع بزهکاری است. اگر پیشگیری از تبهکاری متضمن «آگاهی دادن» از چیزی است، منحصرأ به عنوان یکی از تکنیکهای ممکنه مداخله است. مثلاً مخاطب قراردادن جمعیت یا بعضی از اشخاص که به علت عدم رعایت بعضی از اقدامات حمایتی در مرض خطر هستند، از مصادیق آگاهی دادن است (Australian Institute of Criminology, 2002, p5). از نقطه نظر علمی، پیشگیری اگر در مفهوم موسع کلمه به کار برده شود طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را در جهت خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری در برمی گیرد. اما اگر در مفهوم مضیق کلمه به کار برده شود فقط تدابیر غیر کیفری را در بر می گیرد. در خصوص پیشگیری وضعی تعریف ها و برداشت های گوناگونی ارائه شده است، که در ذیل به ارائه پنج تعریف از تعاریف موجود می پردازیم:

تعریف اول: ژرژپیکا پیشگیری وضعی را «اقدام به محدود کردن فرصت‌های ارتکاب جرم یا مشکل‌تر کردن تحقق این فرصت برای مجرمین بالقوه می‌داند» (به نقل از: میر خلیلی، ۱۳۸۵: ۹۵):

تعریف دوم: رونالد کلارک در تعریف پیشگیری وضعی چنین می‌گوید: «پیشگیری وضعی شامل اقدامات و روشهایی است برای کاهش فرصت که: به سوی شکل کاملاً خاصی از جرم نشانه می‌رود، متضمن طراحی و مدیریت محیط بلاواسطه (صحنه و محل وقوع جرم) یا همان نظارت و تحت نفوذ در آوردن هرچه پایدارتر و سازمان یافته‌تر محل وقوع جرم است، به طوری که زحمات و خطرات ناشی از اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش داده و سود حاصله، به طوری که در نظر اکثر مرتکبین جلوه گر می‌شود، را کاهش می‌دهد» (به نقل از صفاری، ۱۳۸۱: ۲۹۲).

تعریف سوم: مجموعه اقدام‌ها و تدابیری تلقی شده که به سمت تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم و مهار آن متمایل است که از یک سو، با کاهش وضعیت‌های پیش‌جنایی یا وضعیت‌های قبل از بزهکاری که وقوع جرم را مساعد می‌کند، صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، با افزایش خطر شناسایی و دستگیری بزهکاران بالقوه صورت می‌گیرد (Berelson, B and Steiner, 2010:169).

تعریف چهارم: مجموعه تدابیر و روشهای کاهش یا حذف فرصتهای ارتکاب جرم و سود حاصل از ارتکاب جرم که انسان متعارف ممکن است با توجه به آن مرتکب بزه گردد (هیوز، ۱۳۸۰: ۱۹۰).

تعریف پنجم: نایجل ساوت، در تعریف پیشگیری وضعی چنین می‌نویسد: «پیشگیری وضعی از جرم بر اراده، طراحی و کنترل محیط فیزیکی (ساخته شده) اتکا دارد به این منظور که فرصت

های ارتکاب جرم را کاهش داده و یا خطر تعقیب را، در صورتی که ارباب مؤثر واقع نشود، افزایش دهد» (Bourdieu, 2003: 127) ر پایان ارائه تعاریف ذکر شده برای پیشگیری وضعی، به ذکر نظریه ریموند گسن در این زمینه می پردازیم:

بخش چهارم: مبانی نظری و روند تاریخی شکل گیری نظریه وضعی

از زمان ظهور تفکر علمی در مورد جرم و پیشگیری، تمام توجه جرم شناسان متوجه شخص مجرم و شیوه های مهار بزهکاری یا اصلاح و درمان مجرمین بود. بر این اساس سنگ بنای سیاست جنایی را چه در بعد کیفری و چه غیر کیفری، مرتکب جرم تشکیل می داد. اما از چند دهه قبل یعنی از سال ۱۹۴۰ که گروهی از جرم شناسان به دنبال حل معمای بزهکاری و علت شناسی جرم، پژوهش های خود را بر روی کنشکر دیگر بزهکاری، یعنی «بزه دیده» که در واقع، خود به تنهایی بازیگر نیمی از صحنه جرم می باشد متمرکز نمودند، جزء در مورد جرایم بدون قربانی، جرم را به عنوان یک رابطه بزهکار و بزه دیده مورد توجه قرار دادند.

برای وقوع یک جرم تقارن سه عنصر ضروری است، این سه عنصر عبارتند از:

وجود یک مرتکب بانگیزه

۲- مهارت و ابزار لازم برای ارتکاب جرم

۳- وجود یک آماج محافظت نشده.

مبارزه با عناصر اول و دوم در عمل غیر ممکن است؛ زیرا همه مجرمین بالقوه شناخته شده نیستند تا میل و انگیزه آنان برای ارتکاب جرم قابل سرکوبی باشد. ضمن اینکه سرکوبی آنان ممکن است با نقض موازین حقوق همراه باشد. اما در مورد ابزارهای ارتکاب جرم ممنوع کردن همه آنها غیر ممکن است. باین ترتیب تنها راه مبارزه، تقلیل موقعیت های ارتکاب جرم برای مجرمین

است. همچنین، در زمینه پیشگیری غیر کیفری می‌توان با کاهش یا حذف عوامل جرم‌زای محیطی و فردی، بطور مستقیم از مجرم شدن افراد پیشگیری نمود (هندری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۷۴). بنابراین، کلیه تدابیر پیشگیری برای ارتکاب جرم می‌بایست به عنوان سیاست جنایی یک دولت مطرح باشد و برای رسیدن به این هدف نیز، دولت می‌تواند از همیاری و مشارکت گسترده مردم، بهره‌مند گردد. اما اولین کسی که به رابطه میان جرم و محیط فیزیکی اشاره کرد «وود» بود. وی معتقد بود که پیشرفت در امر ساختمان سازی منجر به ایجاد موانع و محدودیت‌هایی در روابط ساکنین می‌گردد. نظریات وود، اسکار نیومن را به مطرح نمودن نظریه «فضای قابل دفاع» ترغیب نمود (فرجی، ۱۳۸۶: ۵۶). نیومن، که یک مهندس معماری بود طراحی ساختمان‌هایی را که به صورت مجتمع ساخته شده بودند را به دلایل مختلف مورد انتقاد قرار داد. وی ادعا می‌کرد که چنین مجتمع‌هایی به خاطر داشتن ورودی و خروجی‌های متعدد و محوطه‌های عمومی و کنترل نشده از سایر انواع ساختمان‌ها در برابر برخی جرایم مثل سرقت آسیب پذیرترند. نیومن پیشنهاد کرد که این گونه معایب با افزایش کنترل و کاهش راه‌های فرار مرتکبین و حذف یا استفاده مفید و بهینه از محیط‌ها و ممرهایی که عبور و مرور در آنها کم است قابل رفع است (همان: ۵۹). نیومن معتقد بود که تغییرات حاصله در شکل و نقشه محیط، قادر است گرایش‌ها و نگرش‌های پنهان ساکنان آپارتمان‌ها را در حفظ حریم شان آشکار ساخته و آنها را به در پیش گرفتن رفتارهای مناسبی، برای مراقبت از حقوق و اموالشان وادار نماید. این قبیل رفتارها، به مرور زمان و در اثر تکرار، به صورت جزئی از فعالیت‌ها و عادات روزمره آنان در می‌آیند و می‌توانند به عنوان عامل مهمی در برابر رفتارهای ضد اجتماعی عمل کنند. به اعتقاد طرفداران رویکرد وضعی از جرم، چنین یافته‌هایی توسط تئوری‌های متقدم (اشاره به مکاتب کلاسیک و پوزیتیویسم خصوصا از نوع لمبروزویی آن) قابل درک، تبیین و تفسیر نیست. زیرا چنین منظره‌هایی از جرم و ارتکاب آن، به رغم اشاراتی که به تأثیر جزئی عواملی از این دست در رفتار و تصمیم‌گیری انسان‌ها داشته‌اند اما تأثیر دراز مدت عوامل زیستی - روانی، تربیتی،

فرهنگی و امثال آن در شکل گیری و جهت رفتار انسان و خصوصاً تصمیم گیری های او تعیین کننده تر میدانند. این برداشت با زیر بنای فکری رویکرد وضعی و تأکید و تکیه آن بر تأثیر عوامل گذرا و وضعی در ارتکاب جرم و نحوه پیشگیری از آن فاصله زیاد و تفاوت اساسی دارد (همان: ۶۰).

بخش پنجم: موقعیت پیشگیری وضعی در بین انواع پیشگیری ها

پیشگیری وضعی از جرم در بین انواع پیشگیری ها از جهت شکل یا شیوه دخالت و جلوگیری از وقوع جرم در نوع پیشگیری «غیر کیفری» قرار می گیرد. از جهت مرحله دخالت یا زمان اقدام برای پیشگیری، در نوع پیشگیری «مستقیم» یا «کنشی»، «فعلی»، «عملی» یا «ابتکاری»^۲ قرار می گیرد. اما از جهت محل یا زمینه یا موضوع دخالت، در نوع پیشگیری «بزه دیده مدار» یا «مبنی بر بزه دیده» قرار می گیرد.^۳ اصطلاح «پیشگیری وضعی» را اولین بار در دهه هفتاد گروهی از دانشمندان در واحد تحقیقات وزارت کشور انگلستان، در ارزیابی آمارهای جرم در مورد پیشگیری، مطرح نمودند، که صرفاً بر کاهش فرصت ها و موقعیت های ارتکاب جرم تکیه دارد (فرجی، ۱۳۸۶: ۱۲).

بند اول: شیوه های پیشگیری وضعی

کلارک شیوه های پیشگیری از جرم را به چهار دسته اصلی و هر دسته را به چهار گروه تقسیم کرده است و از هر کدام مثال هایی را ذکر نموده است. این چهار دسته و گروه های مربوطه از

^۱ - در مقابل پیشگیری «کیفری» یا «اصلاحی» قرار می گیرد که ارباب و تنبیه مجرم هدف اصلی آن می باشد، رک: صفاری، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۳-۳۴ دانشگاه شهید بهشتی: ۲۸۵.

^۲ - در مقابل پیشگیری «غیرمستقیم» یا «واکنشی»، «انفعالی» یا «عکس العملی» قرار دارد که در این نوع از پیشگیری، پیشگیری بعد از ارتکاب جرم صورت می گیرد.

^۳ - در مقابل پیشگیری «مبنی بر مرتکب» یا «مرتکب مدار» قرار می گیرد، که در این نوع از پیشگیری، زمینه و محل دخالت، مرتکب و شرایط و عوامل محیط بر او می باشد.

این قرارند: دسته اول: افزایش تلاش (زحمت) مورد نظر که برای دستیابی به هدف لازم است، شامل:

۱ - سخت کردن آماج جرم: مثل نصب قفل ایمنی روی فرمان خودرو و استفاده از شیشه سخت و نشکن روی اتاقک های تلفن های عمومی به منظور پیشگیری از تخریب سریع آنها.

۲ - کنترل ورودی ها به اماکن مختلف یا دسترسی به اهداف مربوطه: مثل نرده کشیدن اطراف حیاط یا باغ و نصب کارت شناسایی روی سینه افراد مجاز و استفاده از شماره رمز.

۳ - تغییر جهت اعمال مجرمانه مرتکبین: مثل بستن برخی خیابان ها و نصب تابلوهای مخصوص شعار نویسی در جاهایی که افراد از طریق نوشتن مرتکب برخی بی نزاکتی ها می شوند یا نصب سطل زباله در محل های مختلف برای جلوگیری از کثیف شدن خیابان ها و محل های خاص.

۴ - کنترل کردن و ایجاد محدودیت برای استفاده از ابزار های تسهیل کننده ارتکاب جرم: مثل منع حمل اسلحه یا نصب عکس روی کارت های اعتباری بانکی (به منظور جلوگیری از سوء استفاده افراد غیر مجاز) و نصب فن آوری لازم روی تلفن ها برای شناسایی تلفن کننده به منظور پیشگیری از مزاحمت های تلفنی (ویانو، ۱۳۷۶: ۶۵).

دسته دوم: افزایش خطرات مورد نظر برای ارتکاب جرم، مانند دستگیری یا شناخته شدن مرتکب، شامل: ۱ - تحت نظر قرار دادن ورودی - خروجی در اماکن عمومی: مثل گشت مرزی، کنترل چمدان ها در فرودگاه ها و پایانه های مسافری (با وسایل الکترونیکی)، نصب برجسپ کتابخانه روی کتاب ها به منظور شناسایی آنها هنگام خروج از طریق دستگاه های الکترونیکی.

۲ - نظارت رسمی: مثل گشت پلیس، استفاده از نیروهای امنیتی محافظ، زنگ دزد گیر، و دوربین های مادون قرمز.

۳ - نظارت به وسیله کارمندان: مانند استفاده از دستیار راننده اتوبوس (برای جلوگیری از ندادن بلیط)، ناظرین پارکها و پارکینگها، نصب تلفن های عمومی سکه ای در محل های تحت نظارت مثل مغازه ها. ۴ - نظارت طبیعی: مثل چراغانی کردن خیابان ها، داخل بانک ها و مغازه ها و ایجاد فضای قابل دفاع. دسته سوم: کاهش دستاورد های مورد انتظار از جرم یا همان سود حاصله، شامل:

۱ - جابجایی و برداشتن آماج جرم: مثل برداشتن ضبط خودرو، حذف کنتور های سکه ای گاز و امثال آن از خانه ها، استفاده از کارت تلفن به جای سکه (برای جلوگیری از سرقت سکه ها از قلک کنتور ها و از باجه تلفن).

۲ - شناساندن یا نشانه گذاری اموال: مثل نشانه گذاری و داغ نهادن بر روی حیوانات (برای جلوگیری از سرقت و گم شدن و شناسایی سریع آنها)، نشانه گذاری اموال و اثاثیه ذی قیمت، استفاده از شماره رمز برای ورود به کامپیوتر یا استفاده از تلفن یا ضبط خودرو (که عملاً باعث بدون استفاده ماندن آن وسایل برای سارق می شود (Sompson, 2005: 104).

۳ - حذف یا کاهش جذابیت وسایل تحریک آمیز: مثل کاهش آثار مخرب سلاح ها، تمیز کردن بی نزاکتی ها از روی دیوار ها، تعمیر سریع (تلفنهای شکسته یا صندکی های اتوبوس) و ارائه فهرست اسامی و شماره تلفن بدون ذکر نام خانم و آقا. (به منظور جلوگیری از شناسایی شماره تلفن هایی که متعلق به خانم هاست).

۴- تضییق یا جلوگیری از منافع: مثل حک کردن جوهری برچسب‌های تجارتي روی کالا، استفاده از رمز روی رادیو پخش خودرو (که بدون آن بلا استفاده خواهد ماند) و تمیز کردن فوری بی‌نزاکتی‌های روی دیوار (تا مرتکبین نتیجه مورد نظر را به دست نیاورند).

دسته چهارم: حذف معاذیر یا از بین بردن عواملی که باعث تحریک یا تشویق فرد به ارتکاب جرم می‌شود و در برخی موارد می‌تواند به عنوان عذری مطرح گردد، شامل:

۱- برقراری مقرات: مانند مقرات گمرکی برای اعلام کالای همراه مسافر به مأمورین، ثبت نام هنگام ورود به هتل.

۲- تحریک وجدان و آگاهی: مانند نصب تابلوی گویای این که: «برداشتن چیزی (کش رفتن و سرقت‌های کوچک از مغازه هنگام خرید) سرقت محسوب می‌شود» و «احمق‌ها مشروب می‌نوشند و رانندگی می‌کنند» (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۳۴)

۳- کنترل (پایش) رهاکننده‌ها یا رهاکننده‌های کنترل شده: مانند قوانین مربوط به حداقل سن مجاز برای مشروب خواری یا نصب تراشه‌های مخصوص روی تلوزیون و کامپیوتر به منظور استفاده کنترل شده از آنها یا جلوگیری از دسترسی به برخی برنامه‌ها و نصب قفل استارت در خودرو برای جلوگیری از استفاده غیر مجاز.

۴- تسهیل رعایت قوانین: مانند نصب وسایل خود کار در خروجی کتابخانه‌ها (به منظور جلوگیری از اتلاف وقت افراد به منظور بازرسی آنها)، سرویس‌های بهداشتی عمومی و نصب سطل زباله (اردبیلی، همان: ۶۵)

بخش ششم: مزایا و ویژگی های پیشگیری وضعی

مزایای پیشگیری وضعی: الف: پیشگیری وضعی مشارکت افراد جامعه را طلب می کند. اعضای جامعه با مراقبت از خود و اموال خود و دیگران، عدم تحریک دیگران و رعایت احتیاط و ایجاد موانع فیزیکی در پیشگیری وضعی از جرم مشارکت می نمایند (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۱۹۰).

ب: در مورد جرایم بدون قربانی مانند خودکشی، الکلیسم، اعتیاد، ولگردی، تکدی گری و روسپیگری نیز می توان با ایجاد محدودیت از ارتکاب جرم آنها جلوگیری نمود. مثلاً در انگلستان شایع ترین روش خودکشی باز گذاشتن بخاری منزل به هنگام خواب در محیط بسته بود که دولت با حذف سوخت های حاوی دی اکسید کربن از سوخت منازل در سال ۱۹۷۰ باعث کاهش میزان خودکشی در این کشور شد (آقاپور و نوجوان، ۱۳۹۰: ۵۸).

ج: جابجایی جرم، ممکن است مثبت باشد؛ یعنی جرم واقع شده خسارت کمتری از جرم اصلی وارد آورد مثلاً در صورتی که بتوان سرقت مسلحانه را با سرقت ساده جابجا نمود این خود موفقیت است.

د: با اعمال شیوه های پیشگیری وضعی، ارتکاب عمل مجرمانه به تأخیر می افتد که این عامل زمان ممکن است در بسیاری از موارد ارتکاب جرم را ناممکن سازد.

و: در صورتی که آماج و اهداف جرایم به سختی محافظت شوند و فرصت های ارتکاب جرم در سطح جامعه از بین بروند و خطر افزایش دستگیری مرتکبین نیز افزایش یابد، در صورت ایجاد امکانات و فرصت های مشروع بسیاری از مرتکبین بالقوه به کسب درآمد از طرق قانونی و مشروع اقدام خواهند کرد.

ه: کم هزینه بودن پیشگیری؛ زیرا هزینه این نوع پیشگیری بر عهده شهروندان است (همان: ۵۹).

بند اول: ویژگی های پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی، ویژگی های خاص خود را دارد از جمله:

الف: در پیشگیری وضعی تمرکز بر جرایم خاص است؛ یعنی هر جرمی اقدام های پیشگیری وضعی خاص خود را دارد. مثلاً اقدام هایی که در مورد سرقت وسایل اتومبیل صورت می گیرد با اقدام هایی که از کیف قاپی جلوگیری می کند، متفاوت است (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۹۳).

ب: پیشگیری وضعی، در مورد جرایم غیر عمدی مصداق ندارد؛ زیرا در یک لحظه به وقوع می پیوندد. اما در مورد تصادفات رانندگی، نصب سرعت گیر یا دوربین در بزرگراه ها از تدابیر پیشگیری وضعی غیر مستقیم است.

ج: پیشگیری وضعی بر محیط، انتخاب معقول، سبک زندگی و فعالیت روزمره متمرکز است. درحقیقت بزه دیده مداراست و مجرم به صورت غیر مستقیم مطرح است، مثلاً روشنایی کوچه ها و خیابان های تاریک، فرصت ارتکاب جرم را کاهش می دهد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۱: ۶۷).

اقدام هایی مانند کشیدن نرده یا حفاظ، مانع از دسترسی آسان به آماج جرم است. جلوگیری از خرید و فروش اموال مسروقه یا جرم انکاری پولشویی، سبب قطع رابطه پول با منشاء مجرمانه و خطرساز نمودن اقدام مجرمانه می گردد. همچنین کاهش منفعت حاصل از ارتکاب جرم در انصراف بزه کار بالقوه از ارتکاب جرم بسیار مؤثر است، مانند استفاده از کارت اعتباری به جای پول نقد یا استفاده از ضبط کشویی در اتومبیل یا یک ضبط ثابت.

د: در جرایمی که به شغل افراد مربوط می شود مانند گران فروشی یا جرایم مربوط به قضات، وکلای دادگستری، پزشکان، آموزگاران، رانندگان و امثال آن، می توان با محروم نمودن این

مجرمین از شغل خود، زمینه ارتکاب جرایم آتی آنها را از بین برد.

البته نباید این نکته را فراموش کرد که محرومیت افراد از شغل و حرفه خود باعث برهم خوردن تعادل زندگی آنها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی بسیار برای آنان می گردد، که در نهایت ممکن است منجر به ارتکاب جرایم دیگری از سوی آنها شود. بنابراین، تأمین معیشت آنها به روش دیگر واجب است.

و: محدودیت بهره‌مندی از پاره‌ای حقوق مانند باطل کردن مجوز شکار یا لطمه زدن به شهرت مجرم مانند افرادی که غیبگویی می کنند یا سیادان و رمالان که از ناآگاهی مردم سوء استفاده می کنند یا افشای عکس کلاهبرداران از طریق رسانه‌های گروهی، و نمونه دیگر اقدامهای پیشگیری وضعی جمع‌آوری اشیاء خطرناک است که ارتکاب جرم را تسهیل می کند مانند جمع‌آوری سلاح در بین مردم (میر خلیلی، ۱۳۸۹: ۵۴).

بند دوم: تدابیر و اهداف پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی شامل دو دسته تدابیر و اهداف می باشد:

دسته اول: تدابیری که به دنبال سلب امکان تحقق فعل مجرمانه یا لااقل دشوار نمودن آن هستند، مانند سخت کردن دسترسی به آماج‌ها یا محافظت از بزه‌دیدگان بالقوه.

دسته دوم: تدابیر و شیوه‌هایی که با هدف کاستن از جاذبه‌های مجرمانه و عوامل تحریک کننده محیطی، در صدد است تا از تصمیم‌نهایی مجرم و گذر او از اندیشه به عمل جلوگیری کند مانند مخفی کردن زیور آلات، با نصب دوربین مدار بسته.

از دید دیموندگسن برنامه‌هایی که هدف آنها کاهش فرصتهای ارتکاب جرم است اصولاً سه شکل به خود می گیرند:

۱ - فعالیت های تبلیغاتی مبنی بر فراخواندن قربانیان بالقوه بزهکاری در حفاظت بیشتر از خود در مقابل برخی اعمال مجرمانه.

۲ - احتیاط های ویژه که افراد یا نهادها (مثلاً بانکها) در تقویت حفاظت از خود در مقابل سرقت باید اتخاذ نمایند.

۳ - سرانجام آنچه که آمریکائیان «طرح محیطی» می نامند؛ یعنی رعایت اصول و ترتیب های شهرسازی و معماری در ساختمان هابرای بهبود بخشیدن به مراقبت از مکان های آسیب پذیر در مقابل تبهکاران احتمالی. جرم شناسان، تعدادی از راه کارهای پیشگیری - وضعی جرم را که ممکن است روند جرم را کاهش دهد، پیشنهاد نموده اند. یک رهیافت برای یک جرم خاص نمی باشد، بلکه ممکن است برنامه کلی برای کاهش جرم به طور عمومی ایجاد کند. برای مثال مارکوس فلسون اظهار نموده است که این راهبرد «اشتراک جمعی» ممکن است شامل برخی و یا همه عوامل زیر باشد (به نقل از نیازپور، ۱۳۸۳: ۷۴):

«مدرسه» بعنوان مهمترین نماد کنترل اجتماعی غیر رسمی، برنامه هایی را عرضه می کنند که ممکن است کودکی را به مدرسه علاقمند کند و یا باعث مدرسه گریزی کودک شود.

- باید علل مدرسه گریزی کودکان شناسایی و کنترل شود

- بعد از پایان فعالیت های مدرسه، کودکان باید تحت کنترل و نظارت بزرگترها قرار گیرند.

- فعالیتهای آخر هفته (تعطیلات) باید با نظارت بزرگترها سازمان داده شود.

- برنامه های ناهار مدرسه، طرحی است برای نگه داشتن کودکان در مدرسه و جلوگیری از

نزدیک شدن وی به نواحی خرید و فروش.

- کنترل پول تو جیبی کودکان، برای جلوگیری از آماج جرم قرار گرفتن آنان و همچنین محدود کردن خرید آنان برای مصرف موادمخدر و یا الکل .

- جدا نگه داشتن مراکز خرید از مدارس

- ایجاد مراکزی برای فعالیت های ورزشی، هنری و سرگرمی های سالم برای افزایش حفاظت کنترل کودکان، و کاهش رفتار غیرقانونی

- تشویق مردم به ثبات در سکونت در یک محله و عدم جابجایی مداوم برای آنکه همسایگان با یکدیگر آشنا باشند (زیرا در این صورت کنترل غیر رسمی کارائی لازم را خواهد داشت)

- تشویق به خصوصی سازی پارک ها و ایجاد امکانات برای آن که مردم برای امنیت منطقه و محله شان احساس مسئولیت کنند

برنامه فلسون برای کاهش جرم، یا محدود کردن دسترسی افرادی از گروه مجرمین که انگیزه شدیدی (نوجوانان دبیرستانی) به هدفهای جذاب دارند، طراحی شده است این رهیافت برای جرم خاصی طراحی نشده بلکه برای کاهش روند کلی جرم و ارائه شده است (میر خلیلی، ۱۳۸۹: ۵۶).

می توان گفت که : هدف از پیش گیری وضعی، ایجاد وضعیتی است که در آن مجرم به رغم تصمیم به ارتکاب عمل مجرمانه، از محقق نمودن قصد خود ناتوان گردد. این نوع پیش گیری با سه امر مرتبط است: بزه کار، بزه دیده و اوضاع و احوال و محیط ارتکاب جرم. بزه کار به عنوان محور اصلی جریان وقوع عمل مجرمانه در طول تاریخ هدف مبارزه کیفری علیه پدیده مجرمانه بوده است. در دوره انسانی و دادگستری عمومی همیشه بزه کار به عنوان محور شرارت و بزه کاری مورد توجه واقع شده است.

بند سوم: تکنیک‌های پیشگیری وضعی

تکنیک‌های پیشگیری وضعی در سال ۱۹۹۳ توسط کلارک ارائه شد و شامل ۱۲ تکنیک برای پیشگیری از انواع جرائم خیابانی و غارتگری بود. این تکنیک‌ها در سه دسته ارائه شد و هر یک از این سه گروه نیز خود به چهار تکنیک تقسیم می‌شد. دسته اول افزایش تلاش برای ارتکاب جرم بود که شامل چهار تکنیک بود: سخت کردن آماج جرم، کنترل دسترسی به آماج جرم، منحرف کردن بزه‌کاران از آماج‌های جرم، و کنترل وسایل تسهیل‌کننده جرم (Farington, 1998: 54).

دسته دوم مربوط به تدبیر افزایش خطرات جرم بود که خود چهار تکنیک زیر را در بر می‌گرفت: کنترل ورودی‌ها و خروجی‌ها، نظارت رسمی، نظارت به وسیله کارکنان و بالاخره نظارت طبیعی. هدف دسته سوم از تدابیر پیشگیری وضعی، کاهش منافع قابل پیش‌بینی حاصل از جرم از طریق از دسترس خارج کردن آماج جرم، مشخص کردن اموال، کاهش وسوسه و نهایتاً از بین بردن منافع جرم بود. در سال ۱۹۹۷ کلارک و هومل دوازده تکنیک اولیه را اصلاح کردند و با اضافه کردن دسته دیگری تحت عنوان "از بین بردن بهانه‌ها"، آنها را به ۱۶ تکنیک افزایش دادند. این امر موجب شد که شمول تدابیر وضعی به جرائم دیگری مانند فرار از مالیات، تخلفات ترافیکی، آزارجنسی و سرقت اموال محل کار توسط کارکنان نیز، تعمیم پیدا کند (Ibid: 61).

بخش هفتم: تأثیرات سبک زندگی بر پیشگیری و احتمال ارتکاب جرم

در نظریه سبک زندگی، محققان در پی فهم این مسأله‌اند که چرا برخی گروه‌های خاص از مردم بیش از دیگران در خطر بزه‌دیدگی قرار دارند. پاسخ آن‌ها این بود که شیوه زندگی افراد به نرخ‌های متفاوت معجز زایی می‌انجامد. این شیوه‌های زندگی به وسیله فعالیت‌های

روزانه در زمینه کاری و تفریحی، شکل می گیرد. (کوسن، ۱۳۸۵: ۲۵۸) طبق این نظریه، هر قدر یک فرد شیوه زندگی بازتری داشته باشد یعنی فعالیت های شغلی و تفریحی و اوقات فراغت وی بیشتر باشد احتمال بزه دیده شدن او بیشتر است. هر چقدر یک شخص با افراد بزهکار یا با محیط های مجرمانه یا محیط های خطرناک یا در زمانهای خطرناک بیشتر رفت و آمد کند شانس بزه دیدگی خود را افزایش می دهد. کسانی که در مرکز شهر زندگی می کنند نسبت به کسانی که در محله های دوردست زندگی می کنند بیشتر شانس بزه دیدگی دارند. جوان ها برخلاف تصور ما که بیشتر مجرم می شوند، اتفاقاً به جهت شیوه زندگی بازتری که دارند شانس بزه دیدگی آن ها بیشتر است، زیرا در مقایسه با افراد مسن شیوه و مدل زندگی آن ها براساس فعالیت است و نه براساس انفعال. (Bugajska, J., ۲۰۴۷: Lastowiecka, E 2005) نظریه سبک زندگی در واقع چنین عنوان می کند که مردان (ترجیحاً جوان و ترجیحاً مجرد و ترجیحاً شهرنشین و بیکار یا کم درآمد) بیشتر در معرض بزه دیدگی هستند. بزهکاران، این سیل ها را انتخاب می کنند. افراد مسن کمتر بزه دیده می شوند، چون شیوه زندگی آن ها بسته تر و محتاطانه تر است. همچنین است وضع زنان زیرا آن ها می دانند که سیل جرم هستند، لذا احتیاطات لازم را به عمل می آورند. به عبارت دیگر، سبک های زندگی به وسیله سه عامل پایه ای تحت تأثیر قرار می گیرد:

۱- «نقش های اجتماعی» که به وسیله مردم در جامعه ایفاء می شود؛ مثلاً جوانان احتمال بیشتری برای بزه دیدگی را دارند، زیرا دارای نقش های اجتماعی هستند که نیازمند فعالیت های اجتماعی پایایی در خارج از منزل به ویژه شب است.

۲- «موقعیت در ساختار اجتماعی»: هرچه یک فرد از موقعیت بالاتری برخوردار باشد، خطر بزه دیدگی او پایین تر است و این به دلیل نوع فعالیت هایی است که فرد انجام می دهد و مکان هایی است که در آن رفت و آمد می کند.

۳- سومین عامل «جزء عقلانی» است که در آن، تصمیمات در مورد اینکه چه رفتارهایی مطلوب است گرفته می‌شود. مثلاً جوانان با انتخاب درگیر شدن در فعالیت‌های با سطح خطر بالا مانند رفتن به باشگاه‌های شبانه، احتمال بزه دیدگی خویش را افزایش می‌دهند.

بند اول: سبک زندگی؛ راهکار پیش‌بینی‌کننده خطر بزهکاری یا بزه دیدگی

مباحث مربوط به پیشگیری وضعی از جرم به عنوان راهکار جدید پیشگیرنده از بزهکاری و جانشین گونه‌های متعارف پیشگیری از جرم (به ویژه پیشگیری اجتماعی که به نظر برخی جرم‌شناسان کارنامه نامطلوبی از خود به جای گذاشته است) در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی عمدتاً در انگلستان مطرح، نظریه پردازی و اجرا شده است. پیش از این توضیح داده شد که اقدام‌های وضعی پیشگیرنده، ناظر به اوضاع، احوال و شرایطی است که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهند. این اوضاع و احوال که در جرم‌شناسی وضعیت‌های ماقبل بزهکاری یا وضعیت‌های پیش‌جنایی نام دارند، فرایند‌گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تشدید کرده و نقش تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۸۰). ریموند گسن معتقد است که هدف پیشگیری وضعی، تحدید موقعیت‌های جرم است. او اضافه می‌کند در وسیع‌ترین معنا، این رهیافت متضمن تلاش گسترده‌ای است برای اینکه قربانیان احتمالی با تقلیل آسیب‌پذیری‌شان از راه تبدیل آنان به آماج‌های غیرقابل‌اصابت یا استمداد از خدمات خصوصی تأمینی در برابر جرم حمایت شوند. پس موضوع، عبارت است از محدود کردن موقعیت‌های ارتکاب جرم. ژرژ پیکا پیشگیری وضعی را اقدام به محدود کردن فرصت‌های ارتکاب جرم با مشکل‌تر کردن تحقق این فرصت برای مجرمان بالقوه می‌داند (پرویزی، ۱۳۷۹: ۱۶-۱۵) بنا به تعبیری دیگر، از دید جرم‌شناسان بحث پیرامون پیشگیری وضعی مبتنی بر نظریه‌هایی است که در قالب نظریه فرصت‌های مجرمانه و انتخاب عقلانی جرم قرار می‌گیرند. اگر فرصت‌های ارتکاب جرم را

عامل قاطع عمل مجرمانه بدانیم، مسلماً پیشگیری از بزهکاری را باید اقدامی علیه فرصت های جرم به منظور حذف یا دست کم کاهش آنها تصور کنیم. در نهایت می توان از تعریف ران کلارک (۱۹۹۲) به عنوان یکی از مهم ترین و پرطرفدارترین تعاریف پیشگیری وضعی جرم یاد کرد پیشگیری وضعی جرم به رویکرد پیشگیرانه ای اشاره دارد که به جای بهبود جامعه یا سازمان های آن، به طور ساده بر پیشگیری وضعی از کاهش موقعیت های جرم مبتنی است، از طریق سه روش کلی زیر موجب کاهش جرم می شود (گراهام، جان، ۱۳۹۱):

۱- طراحی محیط های امن؛

۲- سازمان دهی روش های کارآمد؛

۳- گسترش محصولات مطمئن و بی خطر نظیر ماشین ها، رادیو و ... که سبب سخت تر شدن ارتکاب سرقت و سوءاستفاده های احتمالی شود (Felson, 2008: 297)

پیشگیری وضعی مبتنی بر دو نظریه فرصت و انتخاب عقلانی است. به هر حال ترکیب این نظریه ها به یک شکل، رهیافت نظری منحصر به فردی را به وجود می آورد. کلارک این رهیافت نظری را با آنچه که او بنیادهای وضعیتی جرم شناسی سنتی می داند، مقایسه می کند که در آن علت های جرم به وقایعی که در گذشته فرد رخ داده است، بر می گردد. در عوض کلارک می گوید، نظریه پیشگیری وضعی جرم، مبتنی بر این نظر است که انگیزه جرم در نتیجه (و نه بیشتر) ترکیب متغیرهای موقعیتی بینابینی، ویژگی های منحصر به فرد گذشته افراد و عوامل مربوط به زندگی حال حاضر آنها ایجاد می شود (Bennett, 1998:372).

در نظریه سبک زندگی، الگوی پیشگیرانه، بر اساس مفهوم خطر دنبال می شود. از این منظر بسیار ضروری است که روشن شود چرا برخی از گروه های انسانی بیشتر از دیگران در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند. طبعاً اگر بتوان این عوامل را بازشناسی کرد، می شود از آن به عنوان

یک عامل بازدارنده و پیشگیرانه در بحث بزه بهره برد. فردسون و گاروفالو بر این باورند که الگوهای عملکرد یا شیوه سبک زندگی افراد، تحت تأثیر سه عامل قرار دارد که در زیر معرفی می شود:

۱- نقش اجتماعی: اولین عامل، نقش اجتماعی افراد در جامعه است. به عبارت دیگر اینکه فرد دارای چه نقشی در جامعه بوده و بر اساس آن نقش چه روابط و مناسباتی با دیگر افراد و اقشار اجتماعی دارد، تبعات جرم شناختی مختلفی را به همراه خواهد داشت.

۲- موقعیت فرد در ساختار اجتماعی: عنصر دوم، موقعیت فرد در ساختار اجتماعی است. معمولاً هر چه قدرت موقعیت فرد بالاتر باشد، خطر بزه دیدگی کمتر است.

۳- عقلانیت: پیش از این نیز اشاره کردیم که عامل «عقلانیت» عامل مهمی در افزایش یا کاهش احتمال بزهکاری یا بزه دیدگی است. عقلانیت سبب می شود افراد درباره اینکه چه رفتارهایی مطلوب و چه رفتارهایی ناپسند است، روش های مختلفی اتخاذ کنند.

بنابراین، طبعاً می توان با ملاحظه عواملی همچون نقش اجتماعی فرد، موقعیت اجتماعی او و میزان عقلانیتی که در زندگی روزمره به کار می گیرد، احتمال بزهکاری یا بزه دیدگی او را پیش بینی نمود، و تمهیدات لازم را برای رفع خطر لحاظ کرد. به بیان دیگر، با در نظر گرفتن متغیرهایی که مطرح شد (نقش اجتماعی، موقعیت در ساختار اجتماعی، عقلانیت)، می توان میزان احتمال بزه دیدگی افراد قابل پیش بینی کرده و کاهش داد. به عنوان مثال کسانی که به واسطه نقش و موقعیت اجتماعی شان، تعامل بیشتری با مجرمان و مکان های جرم خیز دارند، خطر و احتمال بزه دیدگی شان بیشتر است و برعکس، افرادی که متعلق به طبقات بالای اجتماع بوده و به واسطه شیوه و سبک زندگی شان با مجرمان و محل های جرم خیز

سروکاری ندارند، با خطر بزه دیدگی کمتری مواجه هستند. (اکبری، ۱۳۸۰: ۸۶۹)

نتیجه گیری

پیشگیری از جرم همواره یکی از مباحث عمده و مهم در زمینه حقوق کیفری بوده و در نظام حقوق کشورمان نیز شاهد این توجه ویژه بوده ایم. به طوری که طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف اصلی قوه قضائیه «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم...» تعریف شده است. پیشگیری از جرم می تواند ماهیتی کیفری و یا ماهیتی غیرکیفری داشته باشد. اما امروزه با توجه به اهمیت راهکارها و شیوه های اجتماعی و فرهنگی، توجه به رویکرد غیر کیفری پیشگیری، اهمیتی روزافزون یافته است. چرا که می توان با شناخت عوامل فرهنگی، راه کارهایی فرهنگی نیز برای پیشگیری از وقوع بزه کاری ها و ناهنجاری ها در نظر گرفت و این از تبعات حقوقی و جزایی و اجتماعی جرائم در جامعه می کاهد. این رویکرد، به طور عام، توجه به شاخه ای تحت عنوان «جرم شناسی فرهنگی» را در میان کارشناسان و متخصصان امر جرم و جزا گسترش داده که مبنای آن مطالعه و بررسی علل فرهنگی یا عامل شناسی فرهنگی جرم است. جرم شناسی فرهنگی شاخه ای عام و مادر است که می تواند نظریات مختلف و پراکنده جرم شناسی را حول محور فرهنگ در بر داشته باشد. چنانکه هر جا نظریه ای مربوط به خرده فرهنگ، تعارض فرهنگ ها، فرهنگ های ناشی از همزیستی اجباری، مهاجرت، شهرنشینی و ... مطرح می شود، می توان یک عامل فرهنگی را به عنوان زمینه ساز انحراف شناسایی نمود. یکی از حوزه هایی که در این زمینه جای بررسی و مطالعه ویژه دارد، موضوع «سبک زندگی» است. سبک زندگی، بر وجود روش های متفاوت زندگی تاکید داشته و مقایسه و شناخت و تحلیل «شیوه های گوناگون زندگی» در میان گروه های متفاوت جامعه را نشان می دهد. از همین رو سبک زندگی بر تمام مسائل زیستی یک فرد مثل خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، مدل لباس، الگوی مصرف، نوع آشپزی و خوراک، تفریحات و نحوه گذران اوقات فراغت، کسب و کار، رفتار حرفه ای در محل کار، در دانشگاه و مدرسه، رفتار در فعالیت های

سیاسی، رفتار در ورزش و رفتارهای رسانه‌ای اطلاق می‌شود و بر نوع رفتار شخص با دیگران تاکید دارد. از همین رو به نظر می‌رسد بهره‌گیری از نظریه سبک زندگی می‌تواند دستاوردهایی برای مطالعات جرم‌شناختی و دستیابی به روش‌های پیشگیرانه جرم داشته باشد. سبک زندگی، شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به وسیله آن پی می‌گیرد. این شیوه‌ها، حاصل زندگی دوره‌های مختلف زندگی فرد است. به عبارتی سبک زندگی بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره و زندگی روزانه است. اما این مفهوم، بیانگر ابعاد خانوادگی و اجتماعی زندگی جمعی در یک جامعه نیز هست و از این منظر می‌توان هویت اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی یک جامعه را منشاء و زمینه شکل‌گیری سبک زندگی دانست. بنابراین امروزه سبک زندگی به شاخصی برای ارزیابی کیفیت حیات ذهنی و عینی افراد، خانواده‌ها، طبقات اجتماعی و جوامع تبدیل شده و از این رو می‌توان آن را برای تحلیل و بررسی این ابعاد در جوامع مختلف به کار گرفت.

الف) منابع فارسی

بنت، اندی (۱۳۷۹)؛ فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه: لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، چاپ اول، تهران: نشر مرکز

بورگ، والتر و همکاران (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، ج ۱، تهران، سمت و دانشگاه شهید بهشتی

پرویزی، رضا (۱۳۷۹)، پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل، تهران: معاونت آموزش ناجا

جمشیدی، علی رضا (۱۳۹۰)، «سیاست جنایی مشارکتی»، تهران: نشر میزان

چاوشیان، حسن (۱۳۸۲)؛ سبک زندگی و هویت اجتماعی (مصرف و انتخاب‌های ذوقی به عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته)، پایان نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۷)، «سبک زندگی و مطالعات راهبردی»، الگوهای سبک زندگی ایرانیان (مجموعه مقالات)، زیر نظر سیدرضا صالحی امیری، چاپ اول، تهران: نشر معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

حسن، ریموند (۱۳۸۸). جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: نشر افق

رحمدل، منصور (۱۳۸۳)، «آمار جنایی و کارکردهای آن»، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های

رضوی زاده، نورالدین (۱۳۸۶)؛ بررسی تاثیر مصرف رسانه ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، چاپ اول، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت ارشاد اسلامی

فاضلی، محمد (۱۳۸۲)؛ مصرف و سبک زندگی، چاپ اول، قم: انتشارات صبح صادق

فاطمی، سیدمحسن (۱۳۸۴)، پژوهش‌های کیفی و دین سنجی، مبانی نظری مقیاس‌های دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،

فرجی، عماد (۱۳۸۶)، روش‌های پیشگیری غیرکیفری در مطالعات حقوقی، فصلنامه پژوهش حقوقی، شماره ۱۸، صص: ۶۱-۴۴

فرهودی‌نیا، حسن (۱۳۹۰)، «پیشگیری از وقوع جرم»، ویژه‌نامه دومین کارگاه علمی - کاربردی مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی (تبریز)،

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالقرآن الکریم، بی تا.

کلدی، علیرضا (۱۳۸۱)، انحراف، جرم و پیشگیری، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، . سال اول، شماره ۳

کوسن، موريس (۱۳۸۵)، اصول جرم شناسی، ترجمه مير روح الله صديق بطحابی، تهران: نشر دادگستر

محمدي زیدی، عیسی (۱۳۸۳)، «بررسی سبک زندگی بیماران قلبی و عروقی در چابهار و ارایه برنامه آموزشی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۲)، پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره دوم.

ب) منابع لاتین

Adler, A. (1956), *The Individual Psychology of Alfred Adler*, NewYork: Basic Books Inc. American Heritage Dic., (2000).

Berelson, B and Steiner, G.A. (2010), *Human Behaviour*, Harout Brace & World Pub.

Bourdieu, P. (2003), *Distinction*, NewYork: Routledge & Kegan paul.

Bugajska, J., Lastowiecka, E. (2005), "Life style, work environment factors and work ability in different occupations", *International Congress Series*, v 1280,, p 247-252

Gover, A. R., (2004) "Risky lifestyles and dating violence: A theoretical test of violent victimization", *Journal of Criminal Justice*, v 32, p 171-180.

kattryn, T., Dominic, U. (2008), *The Psychology of lifestyle*, london, Routledge,

Parsons, T. (1989), *The Social System*, NewYork: A Free Press Paper back & acmillan. Pub

Simmel, G. (1990), *The Philosophy of Money*, Tom Bohomer & Pavid Frisby (Trans.), Second enlarged Ed., NewYork: Routledge

Sompson, E., Pilote, L. (2005), "Quality of life after acute myocardial infarction: A comparison of diabetic versus non-diabetic acute myocardial infarction patients in Quebec acute care hospitals", *Health and Quality of Life Outcomes*, v 80, p 9-104.



پژوهش های بین المللی

Academia.edu
California San Francisco

TPBIN.com
Sponsored And Indexed

CiteFactor

مجموعه های ایران

Qsymposia

REF.IR

Directory of Research Journals Indexing

DRJI

Sponsored and indexed by CIVILICA
We Respect the Science

CONF PAPER

ESJ

www.EJIndex.org

WORLD OF JOURNALS

بهمایش

Bahamayah.com

پنجمین مجمع علمی و پژوهشی

بهمایش های کشور

science alert

easyPapers

Scientific Research Services

QJUMP

INDEX COPERNICUS INTERNATIONAL

کنفرانس یاب

www.conferenceyab.ir

SID

تقویت رزومه

داوطلبان آزمون دکتری

اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دیرخانه: تهران، میدان انقلاب،

خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲

واحد پذیرش مقالات:

۰۲۱ - ۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶

واحد صدور گواهی نامه:

۰۲۱ - ۴۴۴۴۱۷۶۴ و ۸۴

مشاور و راهنمای ارسال مقالات:

۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ و ۰۹۱۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir www.Olomensani.ir

موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان) (موسسه بین المللی icsi world of journals/ورشو/لهستان) (انجمن علمی بین المللی citefactor/فینیکس/آریزونا) برگزار می کند:



همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

محورها و همایش:

داوری زود هنگام مقالات

استان تهران - موسسه قانون یار

- * مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲



به ۵۵ مقاله برتر و برگزیده همایش، ۵۵ تندیس به همراه تندیرنامه مخصوص اعطا می گردد. به مقالات اورسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد. تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردند. داوری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.

همایش مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی - موسسه قانون یار - دانشگاه رهنورد (افغانستان) - جهاد دانشگاهی - سال ۱۴۰۰